

مجتبی غلامزاده بیش از ۴۰ سال خادم و مداح افتخاری مسجدالرضا^(ع) بوده است

خدمت شبانه روزی در خانه خدا



راه تجربه



سعیده ساجدی نیا در یک کلام، بزرگ شده مسجد و هیئت جوانانش است و حالا سال هاست که مسجد دیگر خانه دومش نیست؛ از سال ۹۴ که بازنشسته شد، بیشتر وقتش را در همین صحن و سراسپری کرده است. یک عمر است مداحی هر مراسمی را بر عهده دارد و با تمام وجودش، برای اهل بیت^(ع) روضه خوانی کرده و ذکر مصیبت خوانده است. الگوی تربیتی مجتبی غلامزاده از کودکی، مرحوم کاخکی، کلیددار و مسئول اجرایی مسجدالرضا^(ع) در محله کارمندان اول بوده است که تا روز آخر عمرش از هیچ خدمتی برای مسجد و مسجدی هادریغ نکرد و مرام و منشش یک نسل را برای بعد از خودش تربیت کرد. آقامجتبی می گوید: آن قدر وقتش را به کارهای مسجد اختصاص داده بود که گاهی مسجدی ها تکرانش می شدند و از اومی خواستند کمی به خودش استراحت دهد اما گوشش بدهکار این حرف ها نبود و همیشه می گفت: آن قدر بخوابم که حساسیت از کف برود و غبطه این روزها را بخوریم!

زمانی که پای دیگ های نذری کنار دست حاج حسین زابلی نژاد می ایستادیم، آشپزی یاد گرفتیم. هیچ وقت ذوقمان را کور نکرد و از پوست کندن پیاز و سیب زمینی تا اضافه کردن ادویه غذا، به مانقش می داد. حالا هر بار مشغول پخت و پز می شویم، برایش آرزوی سلامتی و طول عمر می کنیم.

آقامجتبی، دلسوز پرو پاقرص مسجد است

عباس جاویدی از قدیمی های محله و یکی از پیشکسوت های مسجدالرضاست. او از سال ۱۳۷۰، مسئول هیئت جوانان مسجدالرضا^(ع) بوده و سال هاست آشپزی برنامه های مناسبتی مسجد را با کمک آقامجتبی و یکی از پسرانش بر عهده دارد.



عباس آقامی گوید: یکی از افراد دلسوز مسجدی تردید آقامجتبی غلامزاده است. کاری نیست که بخوایم برای توسعه و برنامه های فرهنگی مسجد انجام دهیم و آقامجتبی پیش قدم و همراه پرو پاقرص نباشد. دهه پایانی ماه صفر امسال در دشت دید بسک گردن آن قدر به دست و گردن آقامجتبی فشار آورد که چند بار کارش به اورژانس کشیده شد و دکترها تا کید کرده بودند که باید فقط استراحت مطلق داشته باشد تا آن شدت درد کمی رهاش کند اما قلبش راضی نمی شد پای دیگ غذای عزاداران نباشد و تال حظه آخر پای کار بود.

از عباس آقامی پرسیم: چه حسی موجب شده است آقامجتبی با وجود این عارضه و تحمل درد، همچنان خادم مسجد و مسجدی ها باشد و از هیچ خدمتی دریغ نکند؟

در پاسخ می گوید: در یک کلام، عشق به اهل بیت^(ع) و امام حسین^(ع). عباس آقا ادامه می دهد: او برای به نتیجه رساندن موضوعات مسجد، آدم پیگیری بوده و بی منت کار کرده است. در بتایی اخیری که در صحن مسجد صورت گرفت، دست کم یک سال پای کار بود و نقش مهمی در جمع و جور کردن این پروژه داشت، طوری که اگر تلاش و همت او نبود، اسکان زائران در این مسجد در روزهای پایانی ماه صفر، ممکن نبود.



کارمندان اول شد و با ایده های همدلانه، مسجدالرضا^(ع) را به یکی از مراکز گره گشایی و صلح و سازش تبدیل کرد. ایشان گوش شنوای نه تنها اهل محل بودند، بلکه از این طرف و آن طرف هم برای بیان اختلافاتشان به مسجدالرضا^(ع) می آمدند. قدرت جذب کنندگی شان موجب شد که پای همه نسل ها به مسجد باز شود و این برو بیابا ادامه دار باشد.

به بچه ها بهای می دادند

مجتبی غلامزاده، یادگیری اصول مداحی را از اوایل دهه ۷۰ در جلسات انصار الزهرا^(ع) حوالی بازار رضا^(ع) شروع کرده است. این دوره می ها زیر نظر حاج علی ملانکه و حاج جعفر آقاسی زاده برگزار می شد.

می گوید: هم زمان آقای سپهر و کاخکی هم جلسات مداحی را در مسجدالرضا^(ع) راه انداختند. به دلیل علاقه ای که داشتم، در هر دو محفل شرکت و از همان زمان در زیارت عاشورا یا روضه های مسجد مداحی می کردم.

دوباره یاد مرام حاجی کاخکی می افتد و می گوید: تادلتان بخو اهدان خدا، بامر به بچه ها بهای می داد و به بهانه مکبری یا خواندن زیارت عاشورا و دعای توسل، تربیون را به کم سن و سال ترهای داد و به فکر تربیت خادمان بعدی مسجد بود.

قدیم ترها که مردم اعتقادات پر رنگ تری داشتند و وضعیت اقتصادی هم این اندازه سخت نبود. در این مسجد، جشن و مراسم عزاداری برگزار می شد. ویژه ترین جشن، نیمه شعبان و ولادت امام زمان^(عج) بود. در شهادت امام رضا^(ع) هم بعد از عزاداری روز آخر ماه صفر، بیش از ۱۵۰۰ پرس غذا بین حاضران توزیع می شد. بانی آن از قدیمی های محله بود و مرحوم کاخکی برنامه ریزی و اجرای آن را انجام می داد.

به میدان آوردن نسل Z

حالا چند سالی است که آقامجتبی مسئول اجرایی و عضو هیئت امنای مسجدالرضا^(ع) است و تلاش کرده همان الگویی را که از کودکی و خاطرات خوب مرحوم کاخکی در ذهنش مانده است، در میان نسل Z اجرایی کند. او به همراه قدیمی ترهای مسجد، از هر فرصتی برای جذب و ترغیب کودکان و نوجوانان استفاده می کنند تا شور و اشتیاق را برای به میدان آمدن در بچه ها زنده کنند.

می گوید: در دوره زمانه فعلی، انجام کار فرهنگی به مراتب سخت تر است. هیچ چیز مانع گذشته نیست و دیگر به راحتی نمی توان نسل جدید را با همان آموزه های قبلی جذب کرد. من و هم نسلانم

خادم دلسوز

آقامجتبی پنج دهه پر برکت از زندگی اش را پشت سر گذاشته و از اینکه در میان مسجدی های کاربلد رشد کرده، خدا را شکر می کند. او سال هاست مداح افتخاری برنامه های مختلف در مسجدالرضا^(ع) بوده؛ در لباس آشپز و کمک آشپز مراسم نیز ایفای نقش کرده، در ساخت و سازهای جدید مسجد هر کاری از دستش برآمده دریغ نکرده و در یک کلام، خادم دلسوز مسجدالرضاست.

تعریف می کند که از شش هفت سالگی در جلسات قرآن مسجد حضور داشته است؛ «ماه رمضان که می شد، از اینجا راهی مسجد جواد الائمه^(ع) می شدیم و برنامه قرآن خوانی آنجا که تمام می شد، می رفتیم حرم امام رضا^(ع) و تا وقت سحر آنجا مشغول تلاوت قرآن می شدیم. هر کس به یک سبک خاصی علاقه مند بود و همان را دنبال کرد اما من، دلی می خواندم تا اینکه بعد از شهادت برادرم، عضو بسیج مسجد شدم. آن زمان حاجی کاخکی مسئول بسیج بود.»

حاجی کاخکی دیگر تکرار نشد!

هنوز حاجی کاخکی را خوب به یاد می آورد و برایش «خدا رحمتی» می فرستند. خوب در خاطرش است که حاجی چطور همه وقتش را در همین مسجدالرضا^(ع) و برای امور مختلف مسجد صرف می کرد. یکی دو کوچه پایین تر از مسجد، مغازه خیاطی کت و شلوار دوزی داشت. مغازه اش را که می بست، تنهادر مسجد می شد پیدایش کنی! آقامجتبی می گوید: با اینکه خانه شان سمت قلعه ساختمان بود و از نظر امنیتی، رفت و آمد در ساعات شب خطرناک بود، خدا بیامرز دل نگران هیچ چیز نبود. بسیج مسجد را مدیریت می کرد، ریش و قیچی برگزاری هر برنامه ای در مسجد دستش بود، حتی پای کار روضه هایی که در خانه حاج آقای سپهر برگزار می شد، هم بود. خیریه ای را که در مسجد راه افتاده بود، اداره می کرد و در نذری ها، آشپزی مراسم را انجام می داد.

معتقد است او و امثال او هر خدمتی برای مسجد کنند، به گرد پای حاجی کاخکی هم نمی رسد؛ فعال و خود جوش بود و قدرت مدیریتش به تمام معنا بیست بود.

حاج آقا سپهر، گوش شنوای مسجدالرضا^(ع)

آقامجتبی از حجت الاسلام والمسلمین سید حسن سپهر نیز به عنوان یکی از آدم های اثرگذار محله و مسجدالرضا^(ع) یاد می کند که با روحیه خاصی که داشت، نسل جوان را به مسجد علاقه مند کرد؛ «از سال ۵۵ و ۵۶ حاج آقا به عنوان امام جماعت مسجد ساکن محله